

(← جعفری، ج ۲، ص ۲۹۰). شاهرود، به طول ۶۶ کیلومتر، از کوه‌های تالش*، در پانزده کیلومتری شهر هروآباد خلخال و کوه‌های شمال قزوین سرچشمه می‌گیرد و در خلخال جریان می‌یابد و پس از طی ۴۵ کیلومتر به رود قزل‌اوزن* می‌ریزد. در این مسیر، رودهای کوچکی همچون شال‌رود و گیلوان به آن می‌پیوندند (← همان، ج ۱، ص ۱۳۷، ج ۲، ص ۲۹۰).

منابع: اطلس جامع گیتاشناسی: ۸۸-۸۷، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۸۷ ش؛ ایران. وزارت کشور. معاونت سیاسی. دفتر تقسیمات کشوری، نشریه اسامی عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری، تهران ۱۳۹۳ ش؛ همو، نشریه تاریخ تأسیس شهرستانهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش الف؛ همو، نشریه تاریخ تأسیس شهرهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش ب، جعفری؛ حمدالله مستوفی، نزهة القلوب؛ رزم‌آرا؛ قهرمان‌میرزا عین‌السلطنه، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، چاپ معود سالور و ایرج افشار، تهران ۱۳۷۴-۱۳۸۰ ش؛ محمدعلی گلریز، مینودر، یا، باب‌الجنه قزوین، [قزوین] ۱۳۶۸ ش؛ مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، کل کشور، تهران ۱۳۹۷ ش؛ احمدین حسین منشی قمی، خلاصه‌التواریخ، چاپ احسان اشراقی، تهران ۱۳۵۹-۱۳۶۳ ش؛ میثم موسایی و یوسف کرمی، «بررسی نقش خمس در رفع فقر، مطالعه موردی: شهر شال قزوین»، راهبرد یاس، ش ۱۶ (زمستان ۱۳۸۷)؛ نقشه کامل ایران امروز، مقیاس ۱:۶۰۰'۰۰۰، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۹۰ ش؛

Etr., s.v. "Cāl" (by Ehsan Yarshater).

/ اشرف‌السادات باقری /

شالّه ← رباط (۲)

شالیش ← سپاه

شالیمار، باغ ← باغ

شام، ناحیه‌ای تاریخی در شرق دریای مدیترانه، امروزه مشتمل بر کشورهای لبنان*، اردن*، فلسطین*، نیمه غربی سوریه* و استان‌های^۱ (تلفظ ترکی خطای) در جنوب ترکیه*، سرزمینهای واقع در شرق دریای مدیترانه، که قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا را به هم می‌پیوندند، از دیرباز یک واحد جغرافیایی در نظر گرفته می‌شدند. نویسندگان یونانی و رومی همچون هرودوت^۲ (ص ۴۲، ۸۹، ۱۴۴)، استرابون^۳ (ج ۷، ص ۲۳۹) و پلینیوس / پلینی اکبر^۵ (ج ۲، کتاب ۵، ص ۲۷۱) ناحیه‌ای را که تقریباً مطابق بر محدوده شام است سوریه نامیده‌اند. این ناحیه

بالینکه شال در منطقه نسبتاً خشک قرار داشت، به سبب نحوه توزیع آب و تقسیم‌بندی اراضی به هفده بُنه* (← د. ایرانیکا، ذیل «چال»)، عین‌السلطنه (ج ۲، ص ۱۱۵۶، ج ۶، ص ۴۵۴۲) شال را از دهات مرغوب قزوین و در حکم شهر برشمرده‌است که به نوشته او، خالصه اربابی‌اش، که از آن سپهدار اعظم محمدولی خان تنکابنی* بود، به حدود سه‌هزار خروار در سال می‌رسید.

شال، براساس تقسیمات جدید کشوری، تا حدود ۱۳۳۰ ش، قصبه دهستان رامند در بخش بوئین شهرستان قزوین بود (← رزم‌آرا، ج ۱، ص ۱۲۳). در این روستا، که جمعیت آن در این سالها ۴۳۲۱ تن بوده‌است، دو دیستان رشیدیه و صائب دایر بود (← همانجا؛ گلریز، ج ۱، ص ۶۳۸، ۹۸۱). تبدیل این روستا به شهر تا ۱۳۶۱ ش به تعویق افتاد (← ایران. وزارت کشور، ۱۳۹۰ ش ب، ذیل «استان قزوین»). در خرداد ۱۳۷۶، بخش شال، به مرکزیت شهر شال، در شهرستان بوئین‌زهره تشکیل شد (← همو، ۱۳۹۰ ش الف، ذیل «استان قزوین»). بخش شال مشتمل بر دهستانهای زین‌آباد و قلعه‌هاشم است (← همو، ۱۳۹۳ ش، ذیل «استان قزوین»). براساس سرشماری ۱۳۹۵ ش، شهر شال ۱۵۲۹۰ تن جمعیت داشته‌است (← مرکز آمار ایران، ص ۱۱۴). اهالی شال شیعه دوازده‌امامی‌اند و به زبان تاتی سخن می‌گویند (رزم‌آرا، همانجا).

شهر شال، که در منطقه‌ای جلگه‌ای واقع شده، دارای آب‌وهوایی معتدل و خشک است (جعفری، همانجا). رودخانه فصلی خروود، که در شال جریان دارد، این شهر را از شهر اسفروژین جدا می‌کند (← رزم‌آرا، همانجا؛ اطلس جامع گیتاشناسی، ص ۳۱).

صرف‌نظر از محصولات باغی و کشاورزی و صنایع دستی چون جاجیم و گلیم (← رزم‌آرا، همانجا)، شال تا اوایل دهه ۱۳۵۰ ش در پرورش دام مانند بز و اسب، به‌ویژه گوسفند، بسیار شهرت داشت، اما در سالهای گذشته، با صنعتی شدن شال، پرورش و تجارت دام، به‌ویژه نژاد منحصر به فرد گوسفند شال، به فراموشی سپرده شد (گلریز، ج ۱، ص ۹۸۵؛ موسایی و کرمی، ص ۱۱۱). شال از نخستین شهرهای ایران بوده که در آنجا کوره‌های آجرپزی دایر شده‌است؛ فعالیت صنعتی در این شهر، از دهه ۱۳۵۰ ش، با بهره‌برداری از کوره‌های هوفمن / هوفمان^۴ تولید آجر فشاری آغاز شد (موسایی و کرمی، ص ۱۰۹).

همچنین رودی دائم به نام شال‌رود / سال‌رود (← حمدالله مستوفی، ص ۲۲۳؛ منشی قمی، ج ۲، ص ۸۱۵) در بخش شاهرود شهرستان خلخال در شرق استان اردبیل جریان دارد

1. Hoffmann

2. Hatay

3. Herodotus

4. Strabo

5. Plinius/ Pliny [the Elder]